

عوامل اجتماعی موثر بر تبرج زنان در جامعه

عاطفه صیاد^۱

چکیده

این مقاله با هدف شناسایی عوامل اجتماعی موثر بر تبرج زنان در جامعه تنظیم و در آن تلاش گردیده تا به این سوال پاسخ داده شود که چه عوامل اجتماعی بر تبرج زنان در جامعه موثر هستند؟ تحقیق از نوع تحقیقات توصیفی و روش به کار رفته کتابخانه بوده است. ابزار به کار رفته در جهت جمع‌آوری داده‌ها فیش و تحلیل داده‌ها با استفاده از روش تحلیل محتوا انجام شده است. از مهم ترین نتایج این مطالعه می‌توان اشاره نمود تبرج و خودنمایی زنان عبارت است از تکشف و آشکار شدن زن با قصد جلوه‌گری (نه لزوماً قصد گناه و فساد) در انظار مردان نامحرم و بیگانه به گونه‌ای که توجه آنها به سوی آن زن جلب شده و در دل نسبت به او طمع نمایند (اعم از اینکه در عمل منجر به فتنه و فساد شود یا خیر) از طرفی، علی‌رغم دیدگاه برخی که بحث از تبرج زنان را در ضمن بحث از آشکار کردن زینت و به عبارت دیگر بدحجابی و بدپوششی زنان مطرح کرده‌اند و سخنی از عنوان‌های (تبرج در رفتار و گفتار و ...) به میان نیاورده‌اند، گستره موضوع تبرج مذموم زنان وسیع‌تر از آن است که به تبرج در پوشش و بدحجابی منحصر گردد، بلکه انجام هر عمل و اقدامی از سوی زنان که آنها را در نظر مردان بیگانه آشکار می‌نماید و توجه مردان را به آنها جلب می‌نماید اعم از اینکه معصیتی در عمل اتفاق افتد یا خیر، در گستره تبرج مذموم زنان قرار می‌گیرد. نیز گاهی زن از پوشش و حجاب کامل برخوردار است اما به دلیل نحوه رفتارش یا محتوای گفتارش یا خلاف عرف و عادت عمل کردنش، ... در رویارویی با نامحرم، مصداق زن متبرج قرار می‌گیرد. است. در پیدایش این رذیله عواملی مانند اجتماعی از جمله: توریست، سرزنش دیگران، رسانه جمعی، فساد محیط، الگوهای نادرست، چشم و هم چشمی و.. موثر می‌باشند. که در این اینجا سعی شده این عوامل مورد بررسی قرار گیرد.

کلید واژه: تبرج، زنان، جامعه، خودنمایی

^۱. طلبه سطح دو حوزه علمیه کوثر علی آبادکتول

مقدمه

تبرج» به معنای خود نمایی زنان، آشکار کردن زینتشان برای نامحرم و زیبا جلوه دادن در برابر آنها است.^۱ یکی از ویژگی های مهم زنان، میل به تبرج و خودنمایی است که به صورت غریزی و طبیعی در آنان وجود دارد. اسلام در کنترل غریزه، شهوت پیشگیری از هدر رفتن انرژی ها و رکود بازار اقتصادی و علمی ارزش نهادن به کرامت انسانی زن که یک دوم نیروی انسانی جامعه است، جلوگیری از نگاه جنسیتی و ابزارى مرد به زن جلوگیری از فروپاشی خانواده ها و ایجاد نسل بی پایه و اساس ایجاد آرامش روانی در سطح جامعه و در یک جمله «آزادی واقعی زن از قید هوس ها» در آیه ۳۳ احزاب زن را از خود نمایی و تبرج نهی کرد، و در آیاتی دیگر به عنوان نمونه آیه ۳۱ نور حجاب را در برابر نامحرمان برای تعدیل این غریزه واجب کرد. و چه جاهلانه است که بشر امروز برای به اصطلاح ارج نهادن به حریم الهی این موجود مقدس شعار برداشتن محدودیت زن یعنی حجاب را سر داده و برای پر کردن هوس های آلوده و جیب های سرمایه داری از جسم لطیف و دستان ظریف این آینه جمال الهی او را بازپچه افکار سود محور خود قرار داده است. معمولاً کسانی که میل شدید به خودنمایی در آنها وجود دارد در عمق و روان خویش از کمبودهایی رنج می برند که عکس العمل خارجی آن به صورت تبرج و خود نمایی و جلب توجه دیگران جلوه پیدا می کند. حال اهمیت این موضوع به دو دلیل است: اول شیوع آن در جامعه کنونی است، در جهان معاصر، قانون حجاب نادیده گرفته شده است و خودآرایی برای زن ارزش، و حجاب علامت عقب ماندگی و ارتجاع گردیده است. و دوم اینکه زنان نیمی از اجتماع هستند و مسئولیت پرورش کودکان را به عهده دارند. پس اگر بخواهیم درست حساب کنیم از نظر فرهنگ و تربیت، زنان نقش اصلی را ایفا می کنند. اما غرب با ترغیب زنان به سوی شغل های کدایی، نه تنها آنان را از این امر مهم دور کرده، بلکه با منحرف ساختن آنها و جایگزین کردن مادیات به جای معنویات، جدایی بین عقل و دین و سوق دادن به سمت خود آرایی، آنها را از شناخت دین باز داشته و پرداختن به این مسائل را امری بیهوده جلوه داده است. در این مقاله قصد داریم به اجتماعی عوامل تبرج پرداخته شود، تا با روشن شدن اهمیت اجتناب از این امر، ابتدا فرد و در مرحله بعد جامعه راه انسانیت و مدارج کمال خویش را بپیماید و زمینه برای شکوفایی استعدادهای خدادادی در جامعه اسلامی فراهم گردد.

^۱ . اسحاقی، گوهر عفاف، ص ۲۱

در طول تاریخ در این زمینه کتاب های زیادی مورد بحث قرار گرفته است از جمله اسحاقی، (۱۳۸۸) تحت عنوان گوهر عفاف به بحث پیرامون اهمیت حجاب، حجاب از دیدگاه اسلام، اثرات حجاب در جامعه واکبری (۱۳۷۶)، تحت عنوان مروارید عفاف به بحث پیرامون حجاب از دیدگاه ادیان، حجاب اختیاری یا اجباری، حجاب از دیدگاه قرآن پرداخته و به موضوع عوامل اجتماعی موثر بر تبرج زنان در جامعه کمتر اشاره شده است. لذا این سوال در اینجا مطرح است که چه عوامل اجتماعی بر تبرج زنان در جامعه موثر هستند؟

تبرّج یکی از دستوراتی است که خداوند خطاب به زنان پیامبر اکرم (ص) در قرآن صادر کرده است و از آن به مناسبت در باب های طهارت، صلات، نکاح و شهادات یاد شده است. این واژه به معنای خودنمایی و جلوه گری زنان «چه در رفتار، صورت، لحن و گفتار» و اینکه زیبایی و زینتشان را آشکار کنند. ریشه ی این واژه برج به معنای بروز و ظهور و مکان بلند اطلاق می شود.^۱ خودنمایی و جلوه گری موجب نابه هنجاری هایی در جامعه می شود؛ بر این اساس ریشه بسیاری از آسیب های ناشی از عدم رعایت این رذیله بین زنان است. انحطاط اخلاقی و شکسته شدن مرزهای اخلاقی و دینی در اجتماع خطر جدی و ویرانگر است؛ زیرا انسان از محدوده ی خود خارج می شود و در ارتباط با سایر افراد قرار می گیرد. اگر اصول اخلاقی حاکم بر روابط نباشد؛ انسانیت انسان فرو می ریزد و جامعه رو به زوال و انحطاط می گذارد و با شکسته شدن مرزهای اخلاقی، همه ی حریم ها شکسته می شود و پلیدی ها در روابط اجتماعی پدیدار می شود.^۲

تبرّج واژه ی قرآنی است به معنای خودنمایی زنان و اینکه زیبایی و زینت شان را آشکار کنند. ریشه ی این واژه «ب ر ج» در عربی در دو معنای اصلی بکار می رود: ۱- بروز و ظهور ۲- ملجأ مکان بلند. تبرّج از معنای تست گرفته شده است و بروج (برج های فلکی و باروهای شهر) به معنای دوم راجع است.^۳

معنای تبرّج از نگاه راغب اصفهانی:

راغب برج را به معنای قصر دانسته و بروج آسمانی را نیز برگرفته از همین معنا بر می شمارد. او معتقد است که تبرّج از تعبیر «الثوب المبرّج» لباس زیبایی که صور برج آسمانی بر آن نقش بسته؛ گرفته شده بدین گونه که اظهار زیبایی بدان تشبیه شده است.^۴

^۱ . اسحاقی، گوهر عفاف، ص ۴۰

^۲ . همان

^۳ . همان، ص ۴۵

^۴ . همان، ص ۵۹

معنای تبرّج از نگاه لغویان متقدم:

لغویان متقدم با توجه به معنای بروز و ظهور تبرّج زن را به معنای اظهار زیبایی (دست و صورت) وی دانسته است.^۱ در فرهنگ نامه ها برای تبرّج معانی زیر آورده شده است:

الف) جلوه گری و عرضه ی زیبایی ها

ب) خودنمایی در مقابل مردان

ج) تبرّج از ماده برج به معنای ظهور و آشکار ساختن است و بر زنی که زیبایی هایش را در مقابل نامحرم ظاهر می سازد اطلاق می شود.^۲

معنای اصطلاحی تبرّج برگرفته از آیه ی ۳۳ سوره ی احزاب است.

«و در خانه ی خود بمانید و به شیوه ی جاهلیت پیشین تبرّج نکنید.»^۳

این آیه خطاب به همسران پیامبر است اما در تفاسیر همه ی زنان را مشمول این حکم دانسته اند. گذشته بر این بنابر دیگر شواهد قرآنی، به ویژه آیه ی ۳۵ سوره ی احزاب که هم مردان و هم زنان مسلمان و مؤمن مورد خطاب اند و از آنجا مردان مسلمان نیز ملزم به رعایت حدود شرعی اند؛ پس می توان گفت تبرّج منحصر به زنان نمی تواند باشد. از طرفی دیگر همان طور که در پیدایش یک مسئله و یا یک رفتار عوامل متعددی دخیل هستند و نمی توان صرفاً یک عامل را علت و انگیزه پیدایش یک مسئله یا رفتار آدمی به شمار آورد، بنابراین می توان گفت عوامل تبرّج هم گوناگون هستند، که این عوامل را به فردی و اجتماعی دسته بندی می شود که در اینجا فقط به عوامل اجتماعی پرداخته خواهد شد:

۱- سرزنش دیگران

یکی از ریشه های تبرّج سرزنش هم کلاسی ها، دوستان و آشنایان و گاهی هم اعضای خانواده است. بسیاری از بانوان با برخورداری از سلامت نفس، می خواهند حجابی دینی و کامل داشته باشند، ولی راهزنان پوشش به آنها شبیخون می زنند و زبان به سرزنش می گشایند که چرا خود را محصور کرده ای و آزادی را از خور سلب نموده ای. گاهی هم این سرزنش ها از سوی مردان است

^۱. اسحاقی، گوهر عفاف، ص ۲۰

^۲. همان

^۳. احزاب ۳۳

۱۳- تهاجم فرهنگی

تهاجم فرهنگی عبارت است از تلاش مستمر و حيله گرانه استکبار برای سلب کردن فرهنگ های اصیل و الهی و جایگزین کردن فرهنگ مبتذل و مبتنی بر فساد و بی بهره ساختن ملت ها از هویت مستقل ملی و دینی خودشان و سلب اتکا به اراده خود و اعتماد به نفس به منظور سلطه اقتصادی و سیاسی. «ای فرزندان آدم، زنهار تا شیطان شما را به فتنه نیندازد چنان که پدر و مادر شما را از بهشت بیرون راند، و لباسشان را از ایشان برکند، تا عورت هایشان را بر آنان نمایان کند. در حقیقت، او و قبیله اش، شما را از آنجا که آنها را نمی بینید، می بینند. ما شیاطین را دوستان کسانی قرار دادیم که ایمان نمی آورند.»^۱

از آیه مذکور روشن می شود اولین مهاجم فرهنگی شیطان بوده است و به دنبال او یارانش حرکت کردند و راهش را ادامه دادند. جهان غرب برای تحقق کامل سلطه سیاسی - اقتصادی خود، به تحقیر فرهنگی کشورهای اسلامی و تحمیل و اشاعه فرهنگ مبتذل خود پرداخته و ترویج بی حجابی و فساد زنان را به عنوان یکی از کارآمدترین راه ها تجربه کرده است، تا جایی که خود به این واقعیت معترف است در روش و تفکر صهیونیست های یهود آمده است: «ما باید کاری کنیم که اخلاق در همه جا ویران شود تا راه سیطره ما را بگشاید. فروید از ماست و به زودی روابط جنسی زن و مرد چنان آشکارا و برملا انجام می شود که در نظر جوان، دیگر هیچ چیز مقدسی مفهوم نداشته باشد و پیوسته همت او اشباع غرایز شهوانی اش گردد. در آن صورت است که اخلاق فرو می ریزد.»^۲ فرانتس فانون در کتاب خود، از تسلط غرب بر کشورهای مسلمان با استفاده از زنان سخن رانده و به این ضرب المثل استشهاده کرده است: «زنان را در دست بگیریم، همه چیز به دنبال آنها خواهد آمد»^۳ و در جای دیگر، از نظریه اداره کنندگان دستگاه استعمار سخن گفته است: «باید برویم و زن را در پشت چادری که خود را درون آن می پوشاند، جستجو کنیم.»^۴ در نتیجه، موقعیت و وضعیت زن، اساس فعالیت ها قرار خواهد گرفت .

^۱. اعراف ۲۷

^۲. شجاعی، در و صدف، ۵۶

^۳. اخوت، اختلالات روانی، ص ۲۲

^۴. همان

اما کسانی که حجاب را مانع پیشرفت و بی‌حجابی را تجدد و تمدن می‌پندارند، باید نسبت به اعتراف و هشدارهای پایه‌گذاران این مکتب در باب پیامدهای شوم این فاجعه مطلع شوند، و خود را در ورطه نابودی ناشی از تهاجم فرهنگی نیندازند. کندی، نظریه پرداز معروف آمریکا، می‌گوید: «من برای نسل آینده آمریکا بیمناکم؛ از این رو، دانشمندان و روشن‌فکران و معلمان اجتماع را دعوت می‌کنم که درباره این خطر بزرگ که دنیای بشریت را تهدید می‌کند، فکری کرده، راه علاجی پیدا کنند.»^۱

تهاجم فرهنگی بیگانه از سوی رادیوها و ماهواره، نوار و فیلم‌های مبتذل از طرف کشورهای بیگانه و دشمنان اسلام همچون سیل به طرف کشورهای اسلامی در حرکت است. و برخی از زنان و جوانان نیز تحت تأثیر قرار می‌گیرند به گونه‌ای که با دیدن یکی از این برنامه‌های فاسد‌آثارش در شکل و قیافه آنان مشاهده می‌شود. اسلام با هرگونه سلطه کفار بر مؤمنان مخالف است و در قرآن نیز به این امر اشاره شده است. «و خداوند هیچ‌گاه برای کافران نسبت به اهل ایمان راه تسلط باز نخواهد نمود».^۲ اسلام به همه دستور داده که نه تنها سلطه آنها را بر خود نپذیرند، بلکه تمامی ریشه‌های سلطه را از بین ببرند و با تمام مظاهر سلطه مبارزه کنند. حجاب هویت زن مسلمان را تشکیل می‌دهد اما در سال‌های اخیر استعمار سعی می‌کند با زدودن مظاهر عفاف و حجاب این هویت را خدشه دار کند. و با ترویج فرهنگ مبتذل و غیرقابل دفاع غرب در نوع پوشش زنان اهداف شوم خود را دنبال می‌کند. در این راستا باید تلاش شود تا آموزش‌های اجتماعی به گونه‌ای باشد که مسئله حجاب به صورت یک ارزش درآید و برای نیل به این هدف باید، ایمان و اعتقاد در بانوان را تقویت کرد، تا زنان و دختران بپذیرند که حجاب برای سلامت و امنیت جامعه است.

۱۴- هرزگی و مسخ هویت زنانگی

اساساً حیا و عفاف جزء ساختار وجودی زن و قسمت از هویت اوست. وقتی زن دچار مسخ هویت شد و از خصلت زن بودن فاصله گرفت میل به مردها یا مرد بودن پیدا می‌کند و هیچ نوع تفاوتی بین دو جنس مرد و زن احساس نمی‌کند. در این وضعیت هرزگی و بی‌عفتی به عنوان شاخصه

^۱. اخوت، اختلالات روانی، ص 26

^۲. نسا ۱۴۱

مسخ هویت زنانگی ظهور و بروز می نماید. این در حالی است که قرآن خود نمایی را یک عمل جاهلانه معرفی کرده است.^۱

۱۵- تقلید کورکورانه

اساساً هیچ انسانی نمی تواند ادعا کند که تقلید نمی کند. همه تمدن ها و انحطاط ها بر شالوده تغییر رخ داده است. موضوع مهم این است که برخی به مرجع تقلید خود آگاهی دارند ولی برخی از مرجع تقلید خود ناآگاهند. نوع اول تقلید، آگاهانه است و اگر خردمندانه تحقق پیدا کند تقلید نیست بلکه خود انتخابی است و عین اجتهاد است. توصیه اسلام به تبعیت از اسوه ها و الگوهای نمونه به طور عام و تقلید از مجتهد جامع الشرایط از این نوع تقلید است اما نوع دیگر تقلید مذموم است. مدگرایی از نوع دوم تقلید محسوب می شود.^۲

همان گونه که اگر وسایلی همچون متر، ترازو، عدد، ساعت و دماسنج را از اجتماع انسان ها بگیرند، زندگی دشوار و رنج آور و پرابهامی به آنها روی خواهد آورد و در عادی ترین مسائل زندگی سرگردان خواهند شد؛ چنانچه الگوهای انسانی مناسب نیز برای افراد وجود نداشته باشند، جامعه در ابهام و سرگردانی به سر خواهد برد.

^۱ . شجاعی، در و صف، ۲۶

^۲ . شجاعی، در و صف، ۳۰

نتیجه گیری

خداوند متعال به قدرت کامله و حکمت بالغه ی خویش جمال و زیبایی را آفریده و در اختیار بندگانش قرار داده است و آن را زینت انسان ها خوانده است و کسانی را که بهره وری از زینت ها را برخود حرام می کنند؛ نکوهش نموده و بر آراستگی بجای افراد، پاداش دنیوی و اخروی مقرر فرموده است. هر کس از نعمت های خدادادی بهره ور گشته، باید آن را بجا و درست بکار برد. و بر زنان که مظهر جمال در آفرینش اند، لازم است که عقل همراه با جمال خویش ظهور داده و زینت های غیر ظاهری خود را از نامحرمان بپوشانند و جاذبه های طبیعی خود را بجا ظاهر کنند. تَبَرُّج و جلوه گری زنان و دختران، آرامش روحی خود فرد و مردان و زنان دیگر را به هم می ریزد و فرد با جلوه گری خود را آرام نمی کند و کمبود های خود را نمی پوشاند؛ چرا که آرامش واقعی در یاد خداست. اوست که با افراط کردن بی جا، مردان بیماردل را با خود همراه ساخته و از رحمت ایزد منان دور می شود و مورد نفرین فرشتگان قرار گرفته و گناهی را مرتکب شده که حق الناس است و توبه ی آن مشروط به بخشش آدم هایی است که در حق آنها ظلم کرده است و موجب بلوغ زودرس و تقلید کور کورانه و موجب گناه آنان شده و چه کسانی را از زندگی دلسرد کرده و چه خانواده هایی را از هم متزلزل کرده است. در پیدایش این رذیله عواملی مانند اجتماعی از جمله: توریست، سرزنش دیگران، رسانه جمعی، فساد محیط، الگوهای نادرست، چشم و هم چشمی و.. موثر می باشند. تَبَرُّج موجب پدید آمدن ناهنجاری های رفتاری و فرو پاشی خانواده ها می شود و از این روست که قرآن کریم و ائمه ی بزرگوارمان بر زنان واجب کرده که به هنگام روبه رو شدن به مردان بیگانه و نامحرم از خودنمایی و تَبَرُّج به چشم آمدن خودداری کنند چرا که در نهایت امنیت اخلاقی جامعه را با دشواری و مشکل مواجه می سازند و مردان بیماردل را به سوی خود می کشند و این کار سبب تعرض و آزار و اذیت آنان می شود. برای حفظ امنیت اخلاقی و مصونیت یابی زنان از تعرض و تجاوز؛ بهترین راه آن است که با آموزه های قرآن و سخنان ائمه ی معصومین عمل کرده تا اعتدال و میانه روی در جامعه رعایت شود.

منابع و مأخذ

*قرآن کریم

- ۱- اخوت، ولی الله، اختلالات وانی، تهران، راز، ۱۳۶۲
- ۲- اسحاقی، حسین، قم گوهر عفاف، موسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۸
- ۳- اکبری، محمود، حجاب در عصر ما، تهران، پیام آزادی، ۱۳۸۵
- ۴- ----- مروارید، عفاف، قم، قم مقدس، ۱۳۷۶
- ۵- اکبری، محمدرضا، تحلیل نو و عملی از حجاب در عصر حاضر، تهران، عترة، چاپ چهارم، ۱۳۷۷
- ۶- امیر تیموری، محمدحسن، رسانه های آموزشی شیراز، ساسان، ۱۳۷۷
- ۷- امینی، ابراهیم، خود سازی تزکیه نفس، قم، شفق دهم، ۱۳۷۸
- ۸- آسوده، محمد حسین، پژمردگی یا عواقب بی عفتی و بی حجابی، قم، دار النشر، چاپ اول، ۱۳۸۸
- ۹- بهرامشاهی، علی، گلوآژه حجاب، قم، نشر رسول، ۱۳۸۸
- ۱۰- بهزاد پور، سمیندخت (فضه)، نقش حجاب در توسعه، تهران، زعیم، ۱۳۸۲
- ۱۱- جعفریان، رسول، رسائل حجابیه، قم، دلیل ما، ۱۳۸۰
- ۱۲- حسینیان، روح الله، حریم عفاف، تهران، علیون، ۱۳۸۹
- ۱۳- دهقانی، محسن، منطق کرامت زن، شهاب الدین، ۱۳۸۶
- ۱۴- رجبی، عباس، حجاب و نقش آن در سلامت روان، قم، دلیل ما، ۱۳۸۰
- ۱۵- رضوان طلب، محمدرضا، پرستش آگاهانه، تهران، ستاد اقامه نماز، ۱۳۸۱
- ۱۶- شجاعی، محمد، در و صدف، قم، محیی، ۱۳۸۶
- ۱۷- کلینی رازی، محمدبن یعقوب، اصول کافی، قم، اسلامیه، ۱۳۶۷
- ۱۸- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، قم، اسلامیه، ۱۳۷۷